

اللَّهُمَّ احْمِ
الْحَمِيمَ الْكَرِيمَ!

بازی قدرت در قفقاز جنوبی و روابط ایران و ارمنستان

امیر محمد مغانی^۱

عباس ملکی^۲

چکیده

تحولات سیاسی، ژئوپلیتیکی و امنیتی چند دهه اخیر منطقه قفقاز، روابط میان کشورهای منطقه و همسایگانیشان را عمیقاً متأثر ساخته است. پویایی‌های امنیتی نوین در قفقاز جنوبی چه پیامدهایی بر روابط ایران و ارمنستان داشته است؟ مطالعه حاضر با بهره‌گیری از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، تحولات اخیر را از دو بعد واکاوی می‌کند: نخست، تغییر نقش و نفوذ تاریخی ایران در معادلات منطقه و؛ دوم، تأثیر بازپس‌گیری قره‌باغ توسط جمهوری آذربایجان و چرخش ارمنستان به سمت تنوع‌بخشی به شرکای راهبردی. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روابط تهران-ایروان به‌طور فزاینده‌ای بر پایه ادراک تهدید مشترک از محور جمهوری آذربایجان-ترکیه و پیامدهای راه‌گذر زنگه‌زور، از ماهیتی عمدتاً فرهنگی-اقتصادی به یک همکاری عمل‌گرایانه تغییر جهت داده است. این همکاری در قالب همکاری‌هایی نظیر توسعه راه‌گذر شمال-جنوب در برابر راه‌گذر میانی و راه‌گذر زنگه‌زور و ایجاد شبکه‌ای از شرکات‌های جایگزین تبلور یافته است.

واژگان کلیدی:

ژئوپلیتیک، ایران، ارمنستان، قفقاز جنوبی، نظریه‌ی مجموعه امنیتی منطقه‌ای

درجه مقاله: علمی- پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

^۱ دانشجوی دکترای حکمرانی انرژی، دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران، جمهوری اسلامی ایران. moghani@ut.ac.ir

^۲ نویسنده مسئول و استاد سیاست‌گذاری انرژی، دانشکده مهندسی انرژی دانشگاه صنعتی شریف، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

maleki@sharif.edu

مقدمه

جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ با تغییر موازنه قدرت در قفقاز جنوبی، پیچیدگی‌های راهبردی و ژئواکونومیک منطقه را افزایش داد. این تحول نه تنها نظم امنیتی پیشین را فروپاشاند، بلکه نقش و نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نیز بازتعریف کرد. در این میان، ترکیه نقش پررنگ‌تری یافت، نفوذ روسیه کاهش نسبی پیدا کرد و قدرت جمهوری آذربایجان تقویت شد (Golmohammadi and Azizi, 2022). این تغییرات تأثیر مستقیمی بر روابط ایران و ارمنستان گذاشته است؛ ایران به عنوان همسایه منطقه ناگزیر از تطبیق سیاست‌های خود با این وضعیت نوین است. در نتیجه، تهران در قفقاز با مسئله‌ای دوجوهی روبرو شده است: از یک سو، نفوذ فزاینده محور ترکیه-جمهوری آذربایجان در مرزهای شمالی و طرح‌هایی چون راهگذر زنگه‌زور، موقعیت ژئوپلیتیکی آن را به چالش کشیده است؛ از سوی دیگر، ارمنستان در اثر شکست نظامی و کاهش ضمانت‌های امنیتی روسیه، به بازتعریف سیاست خارجی و امنیتی خود روی آورده است. این وضعیت نوین، آینده روابط تهران-ایروان را به پرسشی محوری برای سیاست‌گذاران و پژوهشگران تبدیل کرده است (شیرعلی و همکاران، ۱۴۰۳؛ کرمی مصطفی‌پور، ۱۴۰۳).

اغلب پویایی‌های قفقاز جنوبی در چارچوب «بازی بزرگ جدید» و رقابت قدرت‌های بزرگ تحلیل شده‌اند. با این حال، این رویکردها به دلیل ایستا در نظر گرفتن منافع بازیگران و بی‌توجهی به درهم‌تنیدگی‌های امنیتی میان دولت‌های درون منطقه، از تبیین ابعاد پیچیده روابط دوجانبه‌ای چون مناسبات ایران و ارمنستان ناتوان بوده‌اند. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» بری بوزان و الی ویور (۲۰۰۳) که بر وابستگی امنیتی میان دولت‌های همسایه و ادراک تهدیدهای مشترک تأکید دارد، در پی تبیین این مسئله است. در این چارچوب، قفقاز جنوبی یک مجموعه امنیتی مستقل در نظر گرفته می‌شود که منازعات محلی، رقابت‌های منطقه‌ای و مداخلات قدرت‌های بزرگ را هم‌زمان در خود جای می‌دهد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین است: پویایی‌های امنیتی نوین در قفقاز جنوبی چه تأثیری بر روابط ایران و ارمنستان داشته و چگونه می‌توان این تحولات را در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای تبیین کرد؟ در نتیجه، هدف این مقاله تحلیل چگونگی تأثیرپذیری مناسبات تهران-ایروان از تغییرات ژئوپلیتیکی، ترتیبات اقتصادی نوظهور و بازیگران جدید در پرتو کاهش نفوذ روسیه و افزایش نقش آفرینی ترکیه، چین و هند است. این پژوهش به این شرح سازمان‌دهی شده است: بخش دوم پیشینه‌ی پژوهش بیان خواهد شد

و در بخش سوم نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای معرفی خواهد شد. بخش چهارم، به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی قفقاز می‌پردازد و پس‌از آن در بخش پنجم به بررسی نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پرداخته خواهد شد. سپس در بخش ششم به تأثیر تحولات اخیر بر روابط ایران ارمنستان متمرکز خواهد بود. درنهایت نیز نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

پیشینه‌ی پژوهش. مقالات بسیاری طی سال‌های اخیر در راستای تحلیل و بررسی علمی قفقاز جنوبی انجام شده است که جهت برجسته‌سازی نوآوری پژوهش حاضر این مقالات در ادامه ارائه شده‌اند.

بایراموف^۱ (۲۰۲۱) به بررسی انتقادی ادبیات مربوط به پارادایم «بازی بزرگ جدید» در منطقه دریای خزر می‌پردازد. نویسنده استدلال می‌کند که ادبیات غالب، با الهام از رقابت تاریخی امپراتوری‌های بریتانیا و روسیه در قرن نوزدهم «بازی بزرگ قدیم»، به شکلی سطحی و غیرنظام‌مند به تحلیل منطقه می‌پردازد. نویسنده با نقد دیدگاه‌های نویسندگان این حوزه در ارتباط با بازی بزرگ جدید، نتیجه می‌گیرد که ادبیات بازی بزرگ جدید به دلیل ایستادگی در نظر گرفتن بازیگران و منافع، عدم توجه به بافت‌های تاریخی و هویتی متفاوت، غفلت از نقش بازیگران غیردولتی و تعاملات پیچیده و استفاده از یک ذهنیت قرن نوزدهمی برای تحلیل تحولات قرن بیست و یکم، ناتوان از ارائه تحلیلی دقیق از همکاری‌ها و رقابت‌های درهم‌تنیده در منطقه دریای خزر است. افزون‌بر این، او خواستار ارائه چارچوب‌های نظری جایگزین برای درک بهتر این پویایی‌ها می‌شود (Bayramov, 2021). در پژوهشی دیگر میراشرفی و همکاران (۱۳۹۷) به تحلیل رقابت‌های ژئوپلیتیک ایالات متحده و روسیه در منطقه‌ی قفقاز جنوبی با محوریت کنترل منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از چارچوب نظری رئالیسم تهاجمی، استراتژی‌های دو کشور را در زمینه امنیت انرژی، خطوط لوله و کاهش نفوذ رقیب بررسی کرده‌اند. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که آمریکا با دنبال کردن سیاست چندمسیره کردن خطوط انتقال انرژی و حذف روسیه و ایران از معادلات انرژی منطقه، در پی کاهش وابستگی غرب به انرژی روسیه و تضعیف نقش هژمونیک مسکو است.

در مقابل، روسیه تلاش می‌کند تا با حفظ انحصار سنتی خود در انتقال انرژی به اروپا و کنترل مسیرهای موجود، نقش کلیدی خود را به‌عنوان بازیگر اصلی در عرصه‌ی انرژی حفظ کند. این رقابت باعث شکل‌گیری «بازی بزرگ» جدیدی در منطقه شده که امنیت انرژی را به محور اصلی تقابل دو کشور تبدیل کرده است (میراشرفی و همکاران، ۱۳۹۷). در پژوهشی

^۱. Bayramov

دیگر، سادیف و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که آیا اصطلاح بازی بزرگ جدید به‌درستی می‌تواند برای توصیف رقابت‌های ژئوپلیتیک معاصر در قفقاز جنوبی به کار رود یا خیر. آن‌ها با استفاده از چارچوب نظری امنیتی‌سازی^۱ و تحلیل متون، به مقایسه بازی بزرگ تاریخی (رقابت امپراتوری بریتانیا و روسیه در قرن ۱۹) با شرایط کنونی می‌پردازند. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که اگرچه رقابت قدرت‌های خارجی به‌ویژه روسیه و ناتو در قفقاز جنوبی آشکار است و ویژگی‌هایی از یک بازی ژئوپلیتیک را دارد، اما این رقابت معاصر تفاوت‌های بنیادینی با بازی بزرگ تاریخی دارد. در بازی بزرگ قدیم، هدف تصرف مستقیم سرزمین و استعمار بود، درحالی‌که در بازی جدید، ابزارهای نفوذ نهادی (مانند ناتو، سازمان پیمان امنیت جمعی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا)، اقتصادی و امنیتی سازی برای کسب برتری به کار گرفته می‌شوند. افزون بر این، کشورهای منطقه‌ای قفقاز (جمهوری آذربایجان، گرجستان، ارمنستان) در این رقابت‌ها منفعل نیستند و با دیپلماسی چندجانبه سعی در حفظ بیشینه‌سازی استقلال عمل و کسب فایده برای خود دارند. درنهایت، نویسندگان استدلال می‌کنند که برچسب بازی بزرگ جدید بیشتر یک ابزار ارتباطی برای توجیه سیاست‌ها و بسیج افکار عمومی است تا یک توصیف دقیق و عینی از واقعیت روابط بین‌الملل در منطقه (Sadiyev Saleh et al., 2021).

اسکندروف^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با استفاده از روش‌های تحلیل مقایسه‌ای، مصاحبه با خبرگان و بررسی اسناد، به بررسی رقابت ناتو و روسیه در قفقاز جنوبی پرداخته است. این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که اگرچه رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه وجود دارد، اما این رقابت با «بازی بزرگ قدیمی» (دوره استعماری) تفاوت‌های اساسی دارد و بیشتر مبتنی بر نفوذ از طریق نهادها، ارزش‌ها و اقتصاد است تا تصرف مستقیم سرزمین. همچنین تأکید کردند که همکاری با ناتو (حتی بدون عضویت کامل) می‌تواند امنیت منطقه را تقویت کند (Iskandarov et al., 2019). در پژوهشی دیگر اسدوف^۳ (۲۰۲۳) با بهره‌گیری از تحلیل سیاسی-تطبیقی، بررسی تاریخی و مصاحبه، به تحول روابط ترکیه و روسیه در قفقاز جنوبی پس از جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ پرداخته است. نویسنده نتیجه گرفت که اگرچه رقابت تاریخی بین ترکیه و روسیه وجود دارد، اما این دو کشور اخیراً به سمت همکاری عملی در زمینه‌های امنیتی و انرژی حرکت کرده‌اند. همچنین تأکید شد که ترکیه با دیپلماسی فعال و همکاری با روسیه، نقش خود را به‌عنوان یک بازیگر مهم در منطقه تثبیت کرده است (Asadov, 2023).

^۱. Securitization

^۲. Iskandarov

^۳. Asadov

یاشکی^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با روش توصیفی-تحلیلی به ریشه‌یابی تنش‌های بین ایران و جمهوری آذربایجان پرداخته‌اند. نویسندگان عوامل داخلی (مانند اختلافات ایدئولوژیک و حقوق دریای خزر)، منطقه‌ای (نقش ترکیه و روسیه) و فرمانطقه‌ای (نقش اسرائیل و آمریکا) را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که حضور و منافع قدرت‌های خارجی به‌ویژه اسرائیل و آمریکا، باعث تشدید اختلافات بین دو کشور شده و امکان کاهش تنش‌ها در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد (Iashaki et al., 2013). اسکندروف و گاولیچک^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی مفهوم «بازی بزرگ جدید» در قفقاز جنوبی پرداخته‌اند. نویسندگان با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای و استدلال قیاسی-استقرایی، به این نتیجه رسیدند که رقابت بین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای (مانند روسیه، ناتو، ترکیه، ایران، چین و ایالات متحده) بر سر نفوذ و انرژی ادامه دارد. آن‌ها تأکید کردند که کشورهای منطقه باید یک سیاست خارجی چندجانبه را در پیش بگیرند و بین قدرت‌های مختلف تعادل برقرار کنند تا امنیت و ثبات خود را حفظ نمایند (Iskandarov and Gawliczek, 2020).

بررسی ادبیات موجود، دو شکاف مشخص را آشکار می‌سازد. نخست، اغلب تحلیل‌های ارائه‌شده از پویایی‌های قفقاز جنوبی یا بر رقابت قدرت‌های بزرگ در چارچوب کلان «بازی بزرگ جدید» متمرکز بوده‌اند و یا روابط دوجانبه با ارمنستان را صرفاً در پرتو منافع ژئوپلیتیکی و بدون توجه به درهم‌تنیدگی‌های امنیتی میان بازیگران درون منطقه‌ای تحلیل کرده‌اند. نوآوری این پژوهش در کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای برای تحلیل چگونگی بازتعریف مناسبات تهران-ایروان در متن گذار قفقاز جنوبی به یک «نظم چندقطبی» است؛ رویکردی که به‌جای تمرکز صرف بر رقابت قدرت‌ها، روابط دو کشور را به‌عنوان یک زیرسیستم امنیتی متمایز با ادراک تهدید مشترک، عمل‌گرایی و شبکه‌سازی جایگزین تبیین می‌کند.

چارچوب نظری. نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای ابتدا در کتاب «مردم، دولت‌ها و ترس» نوشته شده توسط بوزان^۳ مطرح شد. او معتقد است که سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی سنتی برای فهم پویایی‌های منطقه‌ای ناکافی‌اند و به‌جای آن تحلیل در سطح میانی را توصیه می‌کند. طبق نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای که توسط بوزان و ویور^۴ بیان شده، مجموعه امنیت منطقه‌ای شامل گروهی از دولت‌ها است که دغدغه‌های امنیتی اصلی آن‌ها به‌گونه‌ای بهم‌پیوسته است که جداسازی نیست و باید به‌صورت جمعی به آن‌ها پرداخت (Lake and

^۱. Iashaki

^۲. Gawliczek

^۳. Buzan

^۴. Wæver

(Morgan, 2010). بوزان و ویور بیان می کنند که برای دسته بندی یک منطقه جغرافیایی به عنوان مجموعه امنیتی منطقه ای، دولت های هم جوار باید درجه بالایی از تعامل امنیتی داشته باشند. این وابستگی امنیتی باید به اندازه ای قوی باشد که ارتباط مشخصی میان این دولت ها ایجاد کند و آن ها را از مناطق امنیتی مجاور متمایز سازد (Amable, 2022: 4-8). در چارچوب پویایی های امنیت منطقه ای، حضور یک قدرت بزرگ در منطقه نقش کلیدی در تقویت همکاری امنیتی میان دولت های همسایه را دارد که در غیر این صورت ممکن است همکاری قابل توجهی نداشته باشند. مشارکت یک بازیگر مسلط برای آغاز توافقات امنیتی و تسهیل فرآیند ادغام منطقه ای ضروری است. تعامل امنیتی که با شدت روابط (دشمنی یا دوستی) بین دولت های هم جوار مشخص می شود، عامل اصلی در شکل گیری الگوهای مستحکم وابستگی امنیتی در یک منطقه است. یک منطقه امنیتی به طور عمده با بروز واضح دشمنی یا دوستی تعریف می شود که از طریق وابستگی امنیتی قابل مشاهده است. همچنین باید توجه داشت که مداخله قدرت های بزرگ می تواند مانع از شکل گیری فرآیندهای ادغام منطقه ای شود، زیرا اقدامات آن ها ممکن است به دلایل استراتژیک باعث ایجاد بی ثباتی شود (Buzan and Waever, 2003).

مکتب امنیتی کپنهاگ بین جنبه های عینی و ذهنی مفهوم امنیت تفاوت قائل می شود. بنا به نظر بوزان، دغدغه های امنیتی به صورت ذهنی درک می شوند و ریشه در تصمیم گیری بازیگران کلیدی دارند. او معتقد است برجستگی مسائل امنیتی در جامعه بستگی به این دارد که بازیگران، پدیده های خاصی را به عنوان تهدید تشخیص دهند و دیگران را به پذیرش چارچوب امنیتی خاص و مسئولیت های مرتبط قانع کنند؛ بنابراین، این دغدغه ها فراتر از دیدگاه های فردی هستند و ماهیتی اجتماعی دارند. بوزان تأکید می کند که امنیت تنها شامل عوامل نظامی نیست بلکه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را نیز در برمی گیرد (Buzan and Waever, 2003).

کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای برای تحلیل روابط ایران و ارمنستان از آن جهت ضروری است که این رابطه واجد ویژگی های تعریف کننده یک زیرسیستم امنیتی به هم پیوسته است. دغدغه های امنیتی تهران و ایروان در قفقاز جنوبی، به ویژه از زمان جنگ دوم قره باغ، چنان درهم تنیده شده که امنیت یکی بدون در نظر گرفتن دیگری قابل تحلیل نیست. تهدید مشترک ناشی از تحکیم محور جمهوری آذربایجان-ترکیه، پیامدهای راهگذر زنگه زور برای اتصال سرزمینی ایران و حاکمیت ارمنستان و فروپاشی نظم امنیتی تحت رهبری روسیه، همگی مصداق وابستگی امنیتی هستند که بوزان و ویور شرط اساسی شکل گیری یک مجموعه

امنیتی منطقه‌ای می‌دانند. در این چارچوب، روابط تهران و ایروان نه صرفاً یک اتحاد دوجانبه مصلحتی، بلکه پاسخی ساختاری به پویایی‌های کل مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی است. مفاهیم عملیاتی این نظریه، تحلیل موضوع را دقیق‌تر می‌سازد. مفهوم «ادراک تهدید» که بوزان آن را ریشه در تصمیم‌گیری ذهنی بازیگران می‌داند، امکان واکاوی همکاری ایران و ارمنستان را از منظر اشتراک در شناسایی تهدیدها فراهم می‌کند. هم‌زمان، مفهوم «مداخله قدرت‌های بزرگ» چارچوبی برای تحلیل چگونگی تأثیر کاهش هژمونی روسیه، افزایش نفوذ ترکیه و چین و ورود بازیگرانی چون هند بر مختصات روابط تهران-ایروان به‌دست می‌دهد. در نهایت، تمایزگذاری میان الگوهای «دوستی» و «دشمنی» در سطح منطقه‌ای، به تبیین رفتار هم‌زمان همکارانه ایران با ارمنستان و جمهوری آذربایجان کمک می‌کند. مزیت این چارچوب نسبت به تحلیل‌های رئالیستی سنتی، خروج از سطح کلان «بازی بزرگ» و ورود به سطح میانی تحلیل است که درهم تنیدگی منافع، ادراکات و محدودیت‌های امنیتی میان دولت‌های درون یک منطقه خاص را محور تبیین قرار می‌دهد.

۱. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تغییر در سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای به بروز چالش‌های چندبعدی در عرصه منطقه‌ای انجامید. کشورهای قفقاز جنوبی تحت تأثیر منابع طبیعی فراوان، پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی، چند قومیتی، چند فرهنگی، چند تمدنی و منافع ملی متعدد قرار گرفته‌اند که فرآیندهای سیاسی پیچیده‌ای را به وجود آورده است. این مؤلفه‌ها بر روابط میان دولت‌ها، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اثر بسیاری داشته است. افزون بر این، موقعیت ژئوپلیتیکی آن‌ها بر درک آن‌ها از مسائل منطقه‌ای و دستورکار امنیتی‌شان نیز اثرگذار بوده است (Mammadov, 2019)؛ بنابراین، قفقاز جنوبی از چند ویژگی ژئوپلیتیکی بنیادین برخوردار است که پویایی‌های امنیتی و الگوهای اتحاد در آن را شکل می‌دهد. نخستین ویژگی را می‌توان به موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی قفقاز جنوبی نسبت داد. این منطقه به‌عنوان گذرگاهی میان دریای خزر و دریای سیاه و متصل‌کننده آسیا به اروپا به شمار می‌رود و به همین دلیل در رقابت طرح‌های بزرگ ترانزیتی مانند راهگذر میانی چین، راهگذر شمال-جنوب هند-ایران-روسیه و راه‌گذر زنگه‌زور جایگاهی محوری دارد. دومین ویژگی، محصور بودن ارمنستان در خشکی و فقدان دسترسی مستقیم به دریاهای آزاد است که این کشور را از نظر تجارت و انرژی به همسایگان خود (ایران، گرجستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه) وابسته

کرده است. سومین ویژگی، منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن است؛ دریای خزر و میادین گازی جمهوری آذربایجان، این منطقه را به کانون رقابت بر سر خطوط لوله انتقال انرژی (نظیر خط لوله‌ی راهگذر گاز جنوبی به اروپا و خط لوله باکو-تفلیس-جیحان) تبدیل کرده است (Bursea et al. 2025). چهارمین ویژگی، ساختار قومی-سیاسی پیچیده‌ی منطقه است. وجود اقلیت‌های مرزی و مناطق جدایی‌طلب در مرزهای سیاسی (همچون اوستیای جنوبی در گرجستان) زمینه مداخله بازیگران منطقه‌ای را فراهم آورده است (Moghani and Tishehyar, 2024). پنجمین ویژگی، جایگاه منطقه به‌عنوان «حائل» و «صحنه رقابت» قدرت‌های بزرگ است. قفقاز جنوبی از یک سو منطقه حائل میان روسیه و ناتو محسوب می‌شود و از سوی دیگر عرصه تقابل تاریخی ایران و عثمانی/ترکیه و اخیراً میدان جدید رقابت هند و پاکستان گشته است (Harutyunyan, 2025). درمجموع این ویژگی‌ها قفقاز جنوبی را به یک «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» چندلایه تبدیل کرده که در آن مناقشات محلی، رقابت‌های پیرامونی و مداخلات فرامنطقه‌ای چنان درهم تنیده‌اند که امنیت هیچ بازیگری را نمی‌توان جدا از دیگری تحلیل کرد.

۲. بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

پویایی‌های ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی وابستگی کشورهای منطقه را به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش داده است، زیرا موازنه قدرت نقش کلیدی در تضمین ثبات و صلح در منطقه دارد. همکاری نظامی کشورهای قفقاز با قدرت‌های غربی و بازیگران منطقه‌ای رقیب، اهمیت ویژه‌ای در روابط ایران با کشورهای قفقاز پیدا کرده است. در این بخش، نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی پس از جنگ قره‌باغ بررسی خواهد شد.

ترکیه. جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ نقطه عطفی بود که آنکارا با حمایت نظامی مستقیم از جمهوری آذربایجان (به‌ویژه تأمین پهپادهای رزمی و تسهیل فرماندهی میدانی) بیشترین بهره را از تغییر موازنه قدرت برد و به نفوذ خود در منطقه افزود. (Kalbizada, 2025; PURTAŞ, 2025). افزون‌بر این، امضای «اعلامیه شوشا» در ژوئن ۲۰۲۱، همکاری جمهوری آذربایجان و ترکیه را به یک اتحاد راهبردی در حوزه‌های دفاعی، انرژی و ترابری ارتقا داد و عملاً حضور نظامی و ژئوپلیتیک ترکیه را در قفقاز افزایش داد (Kinik and Çelik, 2021; Rehimov, 2021).

محور اصلی نفوذ ترکیه در دوران پساجنگ، پیگیری فعال ایجاد «راهگذر زنگه‌زور» بر اساس تفسیری موسع از بند ۹ آتش‌بس است. این راهگذر زمینی که از استان سیونیک ارمنستان عبور کرده و سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند (نقشه

(۱) را مشاهده نمایید)، به عنوان یک گذرگاه ارتباطی تحت نفوذ آنکارا، تهدیدی ژئوپلیتیکی برای ایران محسوب می‌شود. این تهدیدهای بالقوه شامل محدودسازی مرزهای ایران با ارمنستان، تضعیف مسیرهای جایگزین مانند راهگذر شمال-جنوب و ایجاد وابستگی ترانزیتی منطقه به محور ترکیه-جمهوری آذربایجان. این ایده از پیشنهاد سال ۱۹۹۴ پل گوبل، رئیس وقت دفتر سیا در استانبول، ریشه می‌گیرد.

طرح آمریکایی‌شده این مسیر در اعلامیه واشنگتن (اوت ۲۰۲۵) و واگذاری حق انحصاری اجاره ۹۹ ساله به آمریکا، ابعاد این تهدید را تشدید کرده و آن را به ابزاری برای حضور فرمانطقه‌ای در قفقاز تبدیل کرده است (Jamestown, 2025; Gafarlı, 2024).

نقشه ۱. راهگذر زنگه‌زور



ایران
منبع: Mazaheri, 2024

هم‌زمان، گفتمان پان‌ترکی و نوعثمانی‌گرایی ترکیه بعد هویتی تهدید را شکل می‌دهد. تأکید آنکارا بر پیوندهای زبانی و قومی با آذری‌های منطقه و ایفای نقش رهبری در جهان ترک، حساسیت‌های ایران نسبت به تحریک آذری‌ها در استان‌های شمال غربی را برمی‌انگیزد و ارمنستان را به «حائل هویتی» ایران در برابر گسترش پان‌ترکیسم تبدیل کرده است. در

نتیجه، ترکیب تهدیدات ترانزیتی-سرزمینی و هویتی-گفتمانی، ترکیه را به کاتالیزور اصلی تقویت روابط امنیتی ایران و ارمنستان در دوره پس از ۲۰۲۰ کرده است (Fazil, 2025).

روسیه. مسکو منطقه‌ی قفقاز جنوبی را در سیاست خارجی خود بخشی از سیاست «خارج نزدیک» خود می‌داند؛ منطقه‌ای که برای تأمین امنیت مرزهای جنوبی و جلوگیری از نفوذ بیگانگان اهمیت دارد. درواقع، اصلی‌ترین رکن سیاست روسیه حفظ حضور نظامی و سیاسی در منطقه است (German, 2016). با این حال پس از جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) و به‌ویژه تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، این جایگاه روسیه به‌طور ساختاری فرسوده و رو به افول نهاده است. نشانه‌های این افول عبارت‌اند از: خودداری مسکو از دفاع از ارمنستان در چارچوب پیمان امنیت جمعی، اتخاذ نقش بی‌طرفانه و میانجی‌گر و در نهایت خروج کامل نیروهای صلح‌بان روسیه از قره‌باغ در سال ۲۰۲۴ که اعتماد راهبردی ارمنستان را بی‌اعتبار کرد (Karapetyan, 2023; IRNA, 2025).

این افول هژمونیک روسیه، پیامدی بنیادین برای روابط ایران و ارمنستان داشته است. ارمنستان را به «تنوع‌بخشی» به شرکای امنیتی خود واداشت. در این مسیر، ایران به‌عنوان همسایه‌ای که همواره از تمامیت ارضی ارمنستان حمایت کرده و در برابر راهگذر زنگه‌زور ایستاده، به گزینه‌ای طبیعی و قابل اتکا بدل شد. برگزاری نخستین رزمایش مشترک نظامی ایران و ارمنستان در آوریل ۲۰۲۵، درست یک سال پس از خروج نیروهای روسی، نماد عینی این پر شدن خلأ توسط تهران است. هم‌زمان، ارمنستان روابط خود با هند و غرب (اتحادیه اروپا و آمریکا) را نیز گسترش داد که این چندجانبه‌گرایی، برخلاف دوره پیشین که هرگونه چرخش به غرب با واکنش تند مسکو روبرو می‌شد، اکنون بدون مانع جدی روسی ممکن شده است (The Armenian Report, 2025). همچنین ارمنستان در سیاست متنوع‌سازی تأمین امنیت خود در سال ۲۰۲۵ پیمان شراکت استراتژیک با آمریکا امضا کرده و وارد تنوع‌بخشی در واردات تسلیحات شده که سهم روسیه را به‌طور قابل‌توجهی کاهش داده است (Hasanova, 2025). درمجموع، کاهش هامونی روسیه نه یک گذار آرام، بلکه یک بازآرایی پرشتاب در زیرسیستم امنیتی قفقاز جنوبی بوده که به‌طور مستقیم به تقویت پیوندهای امنیتی، اقتصادی و راهبردی ایران و ارمنستان انجامیده است.

چین. چین برخلاف ترکیه و روسیه، نقش نظامی-امنیتی در قفقاز جنوبی ندارد، اما با ابتکار «کمر بند و جاده» و تمرکز بر «راهگذر میانی» (اتصال چین به اروپا از طریق آسیای مرکزی، دریای خزر، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه (نقشه ۲) را مشاهده نمایید)

حضور ژئواکونومیک خود را گسترش داده است. حمله روسیه به اوکراین در ۲۰۲۲ و تحریم مسیرهای روسی، اهمیت این راهگذر را برای پکن چندبرابر کرده و سرمایه‌گذاری‌های هدفمندی در زیرساخت‌های منطقه انجام داده است (Sahakyan and Lo, 2025).

نکته کانونی از منظر روابط ایران و ارمنستان آن است که راهگذر میانی، برخلاف راهگذر شمال-جنوب، مسیر خود را از غیر ایران و ارمنستان عبور می‌دهد. اولویت‌های سرمایه‌گذاری چین شامل راه‌آهن باکو-تفلیس-قارص (که جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه را بدون عبور از ارمنستان به هم متصل می‌کند)، بندر آلات در جمهوری آذربایجان (به‌عنوان هاب لجستیکی راهگذر میانی) و بندر آناکلیا در گرجستان (با سرمایه‌گذاری مشترک چین و سنگاپور) است (Gafarlı, 2024; Nouwens, 2021). این پروژه‌ها، وزن ژئواکونومیک محور ترکیه-جمهوری آذربایجان-گرجستان را به زیان ایران و ارمنستان افزایش داده و عملاً دو کشور را از مسیر اصلی تجارت اوراسیایی کنار گذاشته‌اند.

این وضعیت باعث فعال‌سازی راهگذر شمال-جنوب به‌عنوان مسیر رقیب شده است. در این راستا، ایران، روسیه و ارمنستان با همکاری هند، سرمایه‌گذاری در توسعه بندر چابهار و اتصال ریلی و جاده‌ای آن به ارمنستان و نهایتاً روسیه و اروپا را در اولویت قرار داده‌اند. توافق سه‌جانبه ایران-ارمنستان-هند در آوریل ۲۰۲۳ برای همکاری در راهگذر شمال-جنوب، واکنشی مستقیم به حاشیه‌ای شدن دو کشور در راهگذر میانی تحت نفوذ چین بود (Eqtesad Ayandeh news, 2025).

در مجموع، چین با اولویت‌دهی به راهگذر میانی به کاتالیزوری برای تعمیق همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی ایران و ارمنستان بدل شده است. این رقابت ژئواکونومیک، بعد جدیدی به «وابستگی امنیتی» تهران و ایروان افزوده، چرا که اکنون بحث اقتصادی دو کشور نیز، همچون امنیت مرزی‌شان، به هم گره خورده است.

نقشه ۲. راهگذر میانی ابتکار یک کمربند و یک جاده



منبع: Tuba, 2022

هند و پاکستان. جنگ دوم قره‌باغ عرصه جدیدی برای رقابت دیرینه هند و پاکستان گشوده است. این رقابت که ریشه در مناقشه کشمیر دارد، اکنون قفقاز جنوبی را نیز به صحنه تقابل دو بلوک بدل ساخته است. پاکستان با تکیه بر پیوندهای مستحکم با ترکیه و جمهوری آذربایجان، در جریان جنگ ۲۰۲۰ آشکارا از باکو حمایت سیاسی و دیپلماتیک کرد. این هم‌سویی با امضای «اعلامیه اسلام‌آباد» در ژانویه ۲۰۲۱ نهادینه شد؛ سندی که همکاری‌های سه‌جانبه ترکیه-جمهوری آذربایجان-پاکستان را در حوزه‌های دفاعی، اطلاعاتی و اقتصادی رسمیت بخشید و عملاً یک محور اوراسیایی در برابر بلوک ایران-ارمنستان شکل داد (Fazl-e-Haider, 2025). حضور پاکستان در این محور، هم‌وزن ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان را در برابر ارمنستان افزایش داده و هم عمق استراتژیک ترکیه را به شبه‌قاره گسترش داده است. در مقابل، هند با اتخاذ راهبردی فعال، به شریک نوظهور ارمنستان در قفقاز بدل شده است. دهلی نو که نگران نفوذ فزاینده پاکستان در محور باکو-آنکارا بود، از سال ۲۰۲۰ به بعد روابط دفاعی خود با ایروان را به شکل بی‌سابقه‌ای گسترش داد. صادرات تسلیحات هند به ارمنستان صنعت جهانی تسلیحاتی این کشور را تقویت کرده، وابستگی ایروان به روسیه را کاهش داده و هند را به‌عنوان قدرت رو به رشد در بازار تسلیحات چندمنظوره معرفی می‌کند (Rauf and Tariq, 2023). فراتر از حوزه دفاعی، شراکت سه‌جانبه ایران-هند-ارمنستان برای

توسعه‌ی راهگذر شمال جنوب جایگاه ارمنستان محصور در خشکی را در بازارهای جنوب آسیای و اروپا تثبیت می‌کند (Eqtesad Ayandeh news, 2025).

در مجموع، رقابت هند و پاکستان به تحکیم دو بلوک رقیب در مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی انجامیده است: بلوک ترکیه-جمهوری آذربایجان-پاکستان در برابر بلوک ایران-ارمنستان-هند. برای تهران و ایروان، مشارکت هند نه تنها یک توازن بخش نظامی و اقتصادی در برابر محور مقابل است، بلکه پیوند وابستگی امنیتی آن‌ها را از سطح دوجانبه به یک شبکه چندجانبه ارتقا داده و انعطاف‌پذیری راهبردی هر دو کشور را افزایش داده است.

اتحادیه اروپا. اتحادیه اروپا پس از جنگ دوم قره‌باغ، به تدریج از یک بازیگر حاشیه‌ای به کنشگری فعال در قفقاز جنوبی بدل شده است. این چرخش عمدتاً ناشی از دو تحول ساختاری است: نیاز به تنوع‌بخشی مسیرهای انرژی پس از قطع وابستگی به گاز روسیه در ۲۰۲۲ و فرصت ایجادشده از افول هژمونی مسکو که فضای مانور بروکسل در کشورهای پس‌اشتراکی، از جمله ارمنستان را افزایش داده است. در این بستر، اتحادیه اروپا دو اولویت مشخص را در قفقاز جنوبی دنبال می‌کند: تأمین امنیت انرژی از طریق راهگذر گازی جنوبی (وابسته به جمهوری آذربایجان) و تقویت نفوذ هنجاری و نهادی (عمدتاً در ارمنستان و گرجستان) (Fenkart, 2025).

تأثیر بر روابط ایران و ارمنستان از مسیر تعامل بروکسل با ایروان قابل‌ردیابی است. پس از انقلاب محملی ۲۰۱۸ و به‌ویژه پس از جنگ ۲۰۲۰، ارمنستان مسیر نزدیکی تدریجی به اتحادیه اروپا را در پیش گرفته است. استقرار «مأموریت غیرنظامی اتحادیه اروپا در ارمنستان» در فوریه ۲۰۲۳ برای نظارت بر مرز ارمنستان و جمهوری آذربایجان، نقطه عطفی در حضور امنیتی-نظارتی بروکسل در این کشور بود؛ مأموریتی که اگرچه غیرنظامی است، اما عملاً نشان‌دهنده تعهد اتحادیه اروپا به امنیت مرزی ارمنستان و کاهش انحصار روسیه در مدیریت مناقشات منطقه است (Bilban et al., 2024). ارمنستان همچنین پیمان جامع و تقویت‌شده مشارکت با اتحادیه اروپا را در ۲۰۲۱ به اجرا گذاشت و در مارس ۲۰۲۵، پارلمان این کشور پیش‌نویس لایحه‌ای را برای آغاز فرآیند عضویت در اتحادیه اروپا تصویب کرد که نشان از بلندپروازی‌های غرب‌گرایانه ایروان دارد (National Assembly of the Republic of Armenia, 2021; Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Armenia, 2025).

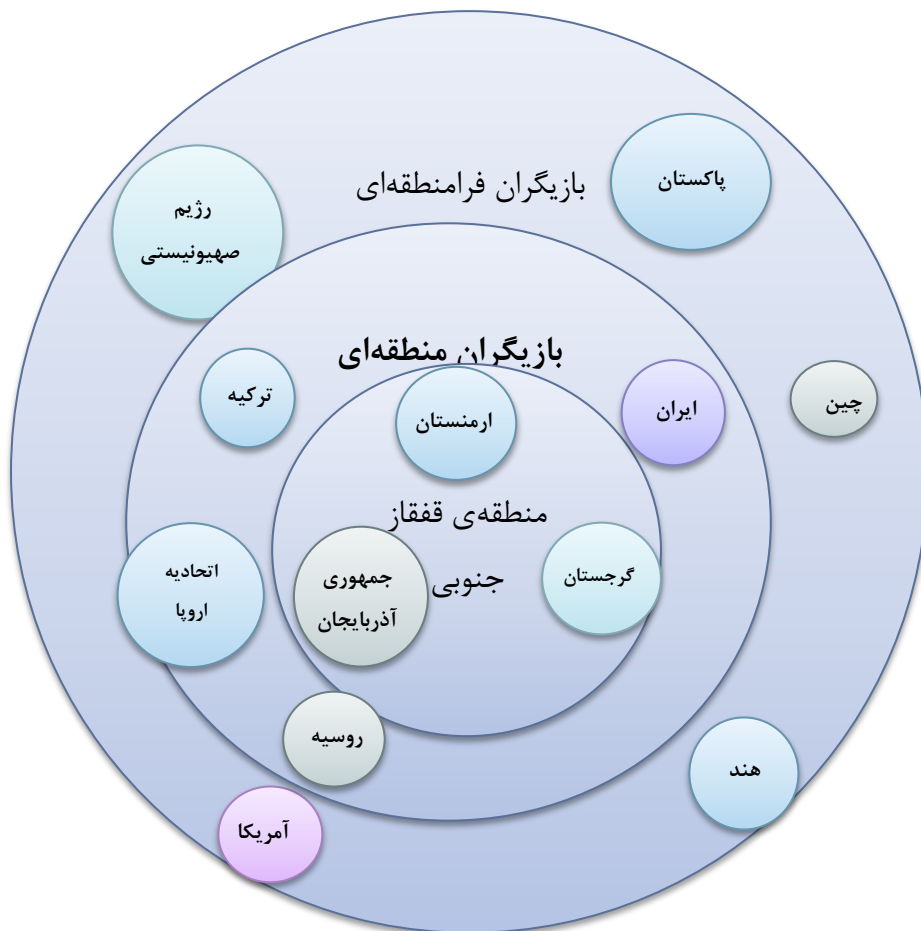
برای ایران، این چرخش غربی ارمنستان دارای دو وجه متناقض است. از یک‌سو، تضعیف انحصار امنیتی روسیه بر ارمنستان و متنوع‌سازی شرکای ایروان، با منافع راهبردی تهران هم‌سو است؛ زیرا از شکل‌گیری یک محور انحصاری روسی در مرزهای شمالی جلوگیری کرده

و فضای تنفسی برای ایران ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، حضور روبه‌گسترش نهادی، اقتصادی و امنیتی اتحادیه اروپا در همسایه شمالی ایران، در بلندمدت می‌تواند به نفوذ هنجاری و سیاسی غرب در منطقه‌ای بینجامد که تهران همواره آن را حوزه نفوذ سنتی خود می‌داند. با این حال، اولویت کنونی ایران بر مهار محور ترکیه-جمهوری آذربایجان و مقابله با راهگذر زنگه‌زور، باعث شده تا تهران نگاه عمل‌گرایانه‌ای به چرخش غربی ارمنستان داشته باشد: تا زمانی که این چرخش منافع امنیتی مشترک با ایران (حمایت از حاکمیت ارمنستان، مخالفت با راهگذر زنگه‌زور) را تضعیف نکند، تهران آن را به‌عنوان بخشی از استراتژی «موازنه‌سازی چندقطبی» ایروان تحمل می‌کند (Shiraliyev, 2023).

ایالات متحده آمریکا. ایالات متحده قفقاز جنوبی را صحنه‌ای فرعی در رقابت جهانی خود با روسیه، چین و ایران می‌داند. از زمانی که در استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ بر «رقابت قدرت‌های بزرگ» تأکید شد، واشنگتن تلاش کرده تسلط منطقه‌ای مسکو را با حمایت از آرزوهای عضویت گرجستان در ناتو و گرایش ارمنستان پس از ۲۰۲۰ به سمت کاهش ضمانت‌های امنیتی روسیه محدود کند (Ordukhanyan et al., 2025). نزدیکی جغرافیایی ایران، به‌ویژه مرز مشترک با ارمنستان، ضرورت اقدام آمریکا برای مهار نفوذ تهران را نمایان می‌سازد. همچنین نگرانی از تله بدهی و جاسوسی فناوری باعث شده است که آمریکا به سرمایه‌گذاری‌های چین در زیرساخت‌های گرجستان (مانند بندر آناکلیا) و پروژه‌های انرژی جمهوری آذربایجان حساس باشد. ایالات متحده اصلاحات دموکراتیک را پس از انقلاب مخملی ۲۰۱۸ در ارمنستان در اولویت قرار داده است. کنگره در سال ۲۰۲۳ مبلغی را برای مبارزه با فساد و اصلاحات قضایی به ارمنستان اختصاص داد و پروژه‌های زیرساختی را تأمین مالی کرد (Onofrei et al., 2025). افزون بر این، آمریکا از راهگذر گاز جنوبی اتحادیه اروپا برای کاهش وابستگی به گاز روسیه حمایت می‌کند و شرکت‌های شیل و اکسان‌موبیل در میادین نفتی جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در عین حال، واشنگتن صادرات گاز طبیعی مایع خود را به اروپا ترویج می‌کند که رقابت غیرمستقیم با پروژه‌های انرژی دریای خزر ایجاد کرده است. همچنین، ایالات متحده از طریق ناتو روابط دفاعی خود را با گرجستان تعمیق می‌بخشد، کشوری که نیروهای نظامی خود را به مأموریت‌های افغانستان و کوزوو اعزام می‌کند (Okromtchedlishvili, 2024). مشارکت ارمنستان در برنامه مشارکت انفرادی ناتو^۱ و مانور مشترکی مانند «ایگل پارتنر ۲۰۲۳» نشانه تغییر محتاطانه به‌سوی غرب است (Aktas, 2025).

¹. Individual Partnership Action Plans

نمودار ۱. بازیگران بازی بزرگ جدید در قفقاز جنوبی



منبع: تدوین نویسندگان

۳. تحولات امنیتی قفقاز جنوبی

در این بخش، نخست زمینه تاریخی، فرهنگی و اقتصادی روابط ایران و ارمنستان را مرور کرده و سپس با بهره‌گیری از متغیرهای ساختاری نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، تحول این مناسبات را در پرتو پویایی‌های امنیتی قفقاز جنوبی واکاوی می‌کند.

مروری بر روابط ایران و ارمنستان. روابط ایران و ارمنستان ریشه در همزیستی تاریخی چند صدساله دارد و از محدود مناسبات پایدار در منطقه پرتنش قفقاز جنوبی محسوب می‌شود. پیوندهای فرهنگی عمیق، حضور هزارساله آرامنه در ایران (با جمعیت قابل توجه در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل، زنجان، تبریز، تهران، سلماس، جلفا و اصفهان) و مرز مشترک ۴۴ کیلومتری، بستر مناسبی برای همکاری‌های دوجانبه فراهم کرده است. این رابطه در سه دهه گذشته از چارچوب صرفاً فرهنگی فراتر رفته و ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی یافته است (Kouhi-Esfahani, 2016).

از منظر ژئوپلیتیکی، ایران و ارمنستان در مسائل متعددی هم‌راستا هستند و هر دو بر حفظ ثبات و امنیت قفقاز جنوبی تأکید دارند. ایران در جریان جنگ دوم قره‌باغ رویکردی میانه‌رو اتخاذ کرد و همواره بر راه‌حل‌های صلح‌آمیز و مبتنی بر مذاکره تأکید نمود. این موضع متوازن، ضمن حفظ روابط با جمهوری آذربایجان، به تهران اجازه داد تا جایگاه خود را به‌عنوان شریکی قابل اتکا برای ایروان تثبیت کند (هاشمی دیزج و همکاران، ۱۴۰۴).

از منظر اقتصادی، حجم تجارت دوجانبه در سال ۲۰۲۴ به حدود ۶۲۹ میلیون دلار رسید که عمدتاً بر معاملات انرژی، مبادلات کشاورزی و کالاهای صنعتی کوچک متمرکز است (OECD, 2024). فراتر از تجارت دوجانبه، دو کشور در پروژه‌های زیرساختی مهمی همچون راهگذر بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب مشارکت دارند؛ راهگذری که بنادر جنوبی ایران در خلیج فارس را از مسیر ارمنستان و گرجستان به روسیه و اروپا متصل می‌کند (Vinokurov et al., 2022). از سال ۲۰۲۰، مذاکرات درباره تعمیق تبادلات انرژی و توسعه خطوط ترابری میان دو کشور شتاب گرفته است. این همکاری‌ها عمدتاً در واکنش به طرح «راه‌گذر زنگه‌زور» صورت می‌پذیرد؛ راهگذری که قرار است جمهوری آذربایجان را از طریق استان سیونیک ارمنستان به نخجوان متصل کند و ایران صراحتاً با واگذاری حاکمیت آن به کشور ثالث مخالف است.

در بعد امنیتی، ایران یکی از نزدیک‌ترین متحدان و شرکای راهبردی ارمنستان در منطقه محسوب می‌شود. برگزاری نخستین رزمایش مشترک نظامی دو کشور در تاریخ ۹-۱۰ آوریل ۲۰۲۵ نقطه عطفی در نهادینه‌سازی همکاری‌های دفاعی و امنیتی میان تهران و ایروان است (The Armenian Report, 2025). همچنین، ایران و ارمنستان بر حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی بدون تغییر در مرزهای منطقه‌ای تأکید دارند و ارمنستان خود را «دروازه ایران به قفقاز جنوبی» می‌داند. توافق سه‌جانبه ایران، ارمنستان و هند برای همکاری در توسعه بندر چابهار (آوریل ۲۰۲۳) نیز بخشی از تلاش برای تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری و کاهش وابستگی به راهگذرهای رقیب است (Eqtesad Ayandeh news, 2025).

مرزها و وابستگی امنیتی. مرزها در نظریه بوزان نه تنها خطوط جغرافیایی، بلکه محدوده‌ای را تعریف می‌کنند که در آن وابستگی امنیتی میان دولت‌ها عمل می‌کند. تحولات ۲۰۲۰-۲۰۲۴ نشان داده که مرزهای مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی دستخوش تغییرات درونی و بیرونی شده است: در سطح درونی، احیای حاکمیت کامل جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ موجب گسترش مرز مشترک این کشور با ایران و ارمنستان شد؛ در سطح بیرونی، منطقه از عرصه رقابت عمدتاً روسیه-غرب به یک فضای ژئوپلیتیکی جدید با حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل گردید (Ostovar, M. and Nazar, 2024). در این بستر، ادراک تهدید مشترک به سنگ بنای روابط ایران و ارمنستان بدل شده است.

تهدید از دو منبع به هم پیوسته نشأت می‌گیرد. نخست، تحکیم محور جمهوری آذربایجان-ترکیه که با حمایت نظامی ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ به پیروزی قاطع باکو انجامید (Gamaghelyan and Rumyantsev, 2021) و پس‌از آن با «اعلامیه شوشا» در ۲۰۲۱ به یک اتحاد راهبردی تمام‌عیار ارتقا یافت (Rehimov, 2021). دوم، طرح «راه‌گذر زنگه‌زور» به‌عنوان نماد عینی تهدید سرزمینی؛ راه‌گذری که با اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان از طریق استان سیونیک ارمنستان، پیوستگی جغرافیایی ایران به ارمنستان را دچار چالش خواهد کرد و در صورت واگذاری کنترل آن به کشور ثالث، دسترسی ایران به قفقاز و بازارهای اوراسیا را محدود می‌سازد (Gafarlı, 2024).

برای ایران جدا شدن فیزیکی از ارمنستان به‌معنای از دست رفتن حائل ژئوپلیتیکی در برابر محور ترکیه-جمهوری آذربایجان و کاهش نفوذ در قفقاز جنوبی خواهد بود (Shafiee, 2024). درواقع، ساختار امنیتی ارمنستان پس از ۲۰۲۰ عمدتاً تحت تأثیر تحول نقش و ظرفیت بازیگران منطقه‌ای شکل گرفته است که این عوامل شامل مواردی همچون تداوم ضعف روسیه به دلیل جنگ اوکراین، نقش روبه‌رشد ترکیه و آسیب‌پذیری فزاینده ایران ناشی از چالش‌های امنیتی و بحران اقتصادی می‌شود (Gevorgyan, 2025). این هم‌پوشانی تهدید، «وابستگی امنیتی» جدایی‌ناپذیری را ایجاد کرده که بوزان و ویور (۲۰۰۳) شرط اساسی یک مجموعه امنیتی می‌دانند: امنیت تهران بدون امنیت ایروان قابل تصور نیست و بالعکس.

گفتمان‌های پان‌ترکی که از سوی برخی نخبگان ترکیه و جمهوری آذربایجان ترویج می‌شود، لایه هویتی این تهدید را تشکیل می‌دهد. برای ایران که جمعیت قابل توجهی از آذری‌زبان‌ها را در خود جای داده، هرگونه تشدید احساسات قوم‌مدارانه در شمال مرزها تهدیدی بالقوه برای انسجام ملی محسوب می‌شود (Fazil, 2025). از این منظر، ارمنستان

نه تنها یک همسایه، بلکه «حائل هویتی» است که مانع از اتصال مستقیم بلوک ترکی از باکو تا آنکارا به مرزهای شمال غربی ایران می‌شود. پیشینه تاریخی این رابطه نیز که ریشه در همزیستی مسالمت‌آمیز ایرانیان و آرامنه طی قرون متمادی دارد (Kouhi-Esfahani, 2016)، بستر فرهنگی مناسبی برای تعمیق این هم‌گرایی فراهم کرده است.

ساختار آنارشیک و قطبیت. دومین و سومین متغیر ساختاری نظریه بوزان، یعنی ساختار آنارشیک و قطبیت به تحول بنیادین در توزیع قدرت در قفقاز جنوبی اشاره دارند. از ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴، منطقه از یک ساختار آنارشیک «میانه» (با تنش‌های مدیریت‌شده توسط همزمن روسی) به سمت آنارشی «فزاینده» و خودمختاری بیشتر منطقه‌ای حرکت کرده است (Ordukhanyan et al., 2025). این تحول قطبی، به‌طور مستقیم بر معادله تهران-ایروان اثر گذاشته است.

روسیه که روزی ضامن اصلی امنیت ارمنستان بود، با ناتوانی در جلوگیری از پیشروی‌های جمهوری آذربایجان در ۲۰۲۰ و سپس خروج نیروهای صلح‌بان از قره‌باغ در سال ۲۰۲۴، اعتبار خود را به‌عنوان حامی امنیتی منطقه‌ای از دست داد (IRNA, 2025). این خلأ اعتماد، ارمنستان را به «تنوع‌بخشی» به شرکای امنیتی خود واداشت. در این مسیر، ایران به‌عنوان همسایه‌ای که همواره از تمامیت ارضی ارمنستان حمایت کرده، به گزینه‌ای طبیعی بدل شد. برگزاری نخستین رزمایش مشترک نظامی ایران و ارمنستان در آوریل ۲۰۲۵ نقطه عطفی در نهادینه شدن بعد امنیتی روابط دوجانبه است (The Armenian Report, 2025).

هم‌زمان، قطبیت جدید منطقه، بازیگران متنوع‌تری را به میدان آورده است. پژوهش‌های جدید در حوزه مدل‌سازی استراتژیک سیاست امنیتی ارمنستان نشان می‌دهند که رقابت ژئوپلیتیکی جهانی به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی اثر می‌گذارد و امنیت منطقه را به‌طور فزاینده‌ای به پویایی‌های فرامنطقه‌ای وابسته کرده است (Manvelidze, 2025). برخلاف یک اتحاد استراتژیک سنتی، ارمنستان هم‌زمان با ایران، روابط خود را با غرب (اتحادیه اروپا و آمریکا) نیز گسترش می‌دهد. امضای پیمان شراکت استراتژیک با آمریکا در ژانویه ۲۰۲۵ (Hasanova, 2025) و اعلامیه واشنگتن در اوت همان سال که طرح «مسیر ترامپ» را با حق انحصاری ۹۹ ساله آمریکا مطرح کرد (Jamestown, 2025)، نمونه‌های این چندجانبه‌گرایی هستند. در این راستا اعلامیه واشنگتن تحولی بنیادین در قفقاز جنوبی مطرح می‌شود و در صورت اجرا، نفوذ روسیه و ایران کاهش یافته و جایگاه آمریکا و غرب تقویت خواهد شد (Institute for War and Peace Reporting, 2026).

ساختار اجتماعی. چهارمین متغیر ساختاری نظریه بوزان، یعنی ساختار اجتماعی یا الگوهای دوستی و دشمنی در قفقاز جنوبی پس از ۲۰۲۰ به روشن‌ترین شکل ممکن متبلور شده است. بوزان و ویور (۲۰۰۳) تصریح می‌کنند که الگوهای دوستی و دشمنی می‌توانند در اثر «انتقالات ایدئولوژیک، جنگ‌ها، یا تغییرات رهبری» دچار تحول شوند و این دقیقاً همان چیزی است که در قفقاز جنوبی رخ داده است. این الگوها اکنون منطقه را به دو بلوک رقیب تقسیم کرده است: محور ترکیه-جمهوری آذربایجان-پاکستان در برابر محور ایران-ارمنستان-هند (Ostovar, M. and Nazar, 2024).

در یک سوی این طیف، ائتلاف ترکیه، جمهوری آذربایجان و پاکستان جای می‌گیرد که طی اعلامیه اسلام‌آباد (۲۰۲۱) نهاده‌ی گردید و همکاری‌های دفاعی سه‌جانبه را رسمیت بخشید (Fazl-e-Haider, 2025). در سوی مقابل، هند که رقیب دیرینه پاکستان به شمار می‌رود، از سال ۲۰۲۰ به بعد به بزرگ‌ترین شریک دفاعی ارمنستان تبدیل شده است. ارزش قراردادهای منعقد شده میان هند و ارمنستان در این بازه زمانی افزایش یافته است. این تحول بدان جهت حائز اهمیت می‌گردد که تا پیش از ۲۰۲۰، بخش عمده‌ای از واردات تسلیحاتی ارمنستان از روسیه تأمین می‌شد، اما اکنون این وابستگی به کلی بازآرایی شده است (Embassy of India, Paris, 2026).

این الگوی دوستی و دشمنی، ابعاد اقتصادی نیز یافته است. راهگذر بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب که ایران، ارمنستان، هند و روسیه را به هم متصل می‌کند، واکنشی مستقیم به راهگذر میانی و راهگذر زنگه‌زور است (Vinokurov Et al., 2022). بنابراین، برای ایران، مشارکت هند نه تنها یک توازن بخش نظامی و اقتصادی در برابر محور مقابل است، بلکه پیوند وابستگی امنیتی تهران-ایروان را از سطح دوجانبه به یک شبکه چندجانبه ارتقا داده و انعطاف‌پذیری راهبردی هر دو کشور را افزایش داده است.

نفوذ قدرت‌های بزرگ. پنجمین متغیر تحلیلی نظریه بوزان، نفوذ قدرت‌های بزرگ در قفقاز جنوبی نقشی دوگانه ایفا می‌کند: هم مانع شکل‌گیری فرآیندهای ادغام منطقه‌ای است و هم به ایجاد زیرسیستم‌های امنیتی جدید می‌انجامد. روابط ایران و ارمنستان، نمونه‌ای از پویایی دوم است (Manvelidze, 2025).

نفوذ ترکیه با حمایت نظامی از جمهوری آذربایجان در جنگ ۲۰۲۰ و پیشبرد طرح راه‌گذر زنگه‌زور، تهدید مشترکی برای تهران و ایروان ایجاد کرده که موتور محرکه اصلی هم‌گرایی امنیتی آن‌هاست. افول هژمونی روسیه نیز با ایجاد خلأ قدرت، ایران را به تقویت مستقیم روابط

امنیتی با ارمنستان ترغیب کرده است. چرخش غربی ارمنستان تحت هدایت آمریکا و اتحادیه اروپا نیز موقعیتی دوگانه برای ایران ایجاد کرده است: از یک سو تضعیف انحصار روسیه مطلوب است، از سوی دیگر نفوذ بلندمدت غرب در همسایه شمالی تهدیدی بالقوه محسوب می‌شود (Sahakyan and Lo, 2025). این مجموعه مداخلات، وابستگی امنیتی تهران و ایروان را از یک پیوند دوجانبه به یک شبکه چندلایه ارتقا داده است.

نتیجه‌گیری

با وجود همسویی، روابط ایران و ارمنستان با چالش‌های چشمگیری مواجه است. آسیب‌پذیری‌های اقتصادی (مانند وابستگی ارمنستان به انرژی ایران و روسیه و انزوای اقتصادی ناشی از تحریم‌های ایران) اقتدار طولانی مدت را محدود می‌کند. از منظر ژئوپلیتیکی، مناقشه راه‌گذر زنگه‌زور و تنش‌های حل‌نشده قره‌باغ خطر بی‌ثباتی را افزایش می‌دهد، به‌ویژه اگر جمهوری آذربایجان به سمت نظامی‌سازی بیشتر پیش برود.

روابط ایران و ارمنستان که از طریق نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای تحلیل شده، زیرسیستمی را نشان می‌دهد که در آن امنیت و بقاء به‌طور جدایی‌ناپذیر به چالش‌های منطقه‌ای و نفوذ خارجی وابسته است. این رابطه پاسخی عمل‌گرایانه به تهدیدات مشترک است، اما دوام آن به رفع نقاط ضعف اقتصادی، کاهش فشارهای خارجی و تقویت خلاقیت دیپلماتیک بستگی دارد. با تحول قفقاز جنوبی به نمودی از چندقطبی قرن بیست و یکم، توانایی ایران و ارمنستان برای هماهنگی منافع خود با پویایی‌های جهانی متغیر و تعیین‌کننده و تبدیل آن‌ها به شریکان مقاوم یا مهره‌هایی در بازی ژئوپلیتیکی گسترده‌تر خواهد بود. آینده منطقه مانند گذشته تحت تأثیر تعامل بین کنشگری محلی و آرمان‌های قدرت‌های دوردست شکل می‌گیرد.

تحول در روابط ایران و ارمنستان نشان‌دهنده پیچیدگی‌های رقابت یا بازی بزرگ جدیدی است که تحت تأثیر نگرانی‌های امنیتی مشترک، منافع اقتصادی و فضای امنیتی چندقطبی در قفقاز جنوبی شکل گرفته است. بازیگران این بازی بزرگ در نمودار (۱) نمایش داده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) صرفاً یک پیروزی نظامی برای جمهوری آذربایجان نبود، بلکه آغازگر تحولی ساختاری در کل مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی بود؛ تحولی که در آن، هژمونی بلامنازع روسیه جای خود را به یک ساختار چندقطبی شکننده داد و الگوهای دوستی و دشمنی منطقه را عمیقاً بازآرایی کرد. این بازآرایی مستقیماً بر روابط

تهران و ایروان اثر گذاشت و آن را از یک هم‌زیستی عمدتاً فرهنگی-اقتصادی به یک «هم‌گرایی امنیتی عمل‌گرایانه» تغییر ماهیت داد؛ مفهومی که این پژوهش برای تبیین ماهیت متمایز این رابطه در مقطع ۲۰۲۰-۲۰۲۵ پیشنهاد می‌کند.

نخستین یافته مشخص پژوهش آن است که روابط ایران و ارمنستان در این مقطع، پاسخی ساختاری به یک تهدید مشترک وجودی است. تهدیدی که ابعاد آن از تحکیم محور ترکیه-جمهوری آذربایجان و آرمان‌های پان‌ترکی تا طرح راه‌گذر زنگه‌زور را در بر می‌گیرد. این تهدید چنان امنیت دو کشور را به هم گره زده که امنیت هیچ‌یک بدون دیگری قابل تصور نیست. در این میان، راه‌گذر زنگه‌زور به نماد عینی این تهدید مشترک بدل شده است؛ راه‌گذری که در صورت واگذاری کنترل آن به کشور ثالث، جدا شدن فیزیکی ایران از ارمنستان را در خود دارد و به همین دلیل، محور اصلی هم‌گرایی تهران-ایروان را شکل می‌دهد. با این حال، این هم‌سویی بدون تنش نیست؛ تعامل محتاطانه ایران با جمهوری آذربایجان از یک‌سو و رشد روابط ارمنستان با هند و غرب از سوی دیگر، نشان‌دهنده تعادل ظریفی است که دو کشور باید پیوسته مدیریت کنند.

یافته دوم آن که این هم‌گرایی واجد یک بُعد اقتصادی حیاتی است. همکاری‌هایی چون توسعه راه‌گذر شمال-جنوب، مشارکت سه‌جانبه با هند در بندر چابهار و افزایش مبادلات انرژی، نه صرفاً انگیزه‌های تجاری، بلکه کارکرد یک «لنگر امنیتی» را دارند. این پروژه‌ها واکنشی مستقیم به راه‌گذر میانی تحت نفوذ چین و راه‌گذر زنگه‌زور مورد حمایت ترکیه-جمهوری آذربایجان هستند و بقای ژئوپلیتیکی هر دو کشور را به یکدیگر پیوند می‌زنند. با وجود این، محدودیت‌های ساختاری (تحریم‌های ایران، ظرفیت محدود اقتصادی دو کشور و آسیب‌پذیری ذاتی ارمنستان محصور در خشکی) گستره این همکاری‌ها را محدود ساخته است.

سومین یافته به نقش تعیین‌کننده قدرت‌های فرامنطقه‌ای مربوط می‌شود. قفقاز جنوبی امروز عرصه رقابت کشورهایی همچون روسیه، ترکیه، ایران، چین، هند و غرب است و این رقابت به‌طور مستقیم روابط تهران-ایروان را شکل می‌دهد. جنگ روسیه و اوکراین با تحلیل بردن توان مسکو، خلأهایی ایجاد کرده که توسط ترکیه، ایران و قدرت‌های خارج از منطقه مانند چین، هند و پاکستان پر شده است. در این میان، نقش هند به‌عنوان شریک دفاعی و اقتصادی نوظهور ارمنستان و همکار ایران در راه‌گذر شمال-جنوب بسیار برجسته است. مشارکت هند هم وابستگی تسلیحاتی ایروان به روسیه را کاهش داده، هم توازنی در برابر محور ترکیه-جمهوری آذربایجان-پاکستان ایجاد کرده و هم شبکه هم‌گرایی تهران-ایروان را از سطح

دوجانبه به یک ساختار چندجانبه ارتقا داده است. در مقابل، چرخش ارمنستان به سمت غرب (تعمیق روابط با اتحادیه اروپا، ناتو و آمریکا) برای ایران موقعیتی دوگانه پدید آورده است: تضعیف انحصار روسیه مطلوب، اما نفوذ بلندمدت غرب در همسایه شمالی تهدیدی بالقوه است. سیاست ایران در قبال این وضعیت را می‌توان «عمل‌گرایی محتاطانه» نامید؛ پذیرش چندجانبه‌گرایی مدیریت‌شده ارمنستان به شرط آنکه حاکمیت ایروان بر مسیرهای ترانزیتی تضعیف نشود.

چهارمین یافته آن است که روابط تهران-ایروان را نمی‌توان ذیل مقولات سنتی «اتحاد استراتژیک» یا «ائتلاف مقطعی» به‌طور کامل تبیین کرد. این رابطه واجد ویژگی‌های هر دو هست، اما ماهیتی متمایز دارد. این پژوهش با مفهوم‌پردازی «هم‌گرایی امنیتی عمل‌گرایانه» نشان می‌دهد که این رابطه بر پنج ویژگی استوار است: تهدید-بنیان بودن (نه ایدئولوژی-بنیان بودن)، عمل‌گرایی اقتصادی (که همکاری‌ها را به لنگر امنیتی بدل کرده)، عدم انحصار و چندجانبه‌گرایی (که آن را از یک اتحاد سنتی متمایز می‌کند)، محدودیت ساختاری (که عمق همکاری‌ها را مقید می‌سازد) و پویایی موقعیت‌ها که آن را تابع تغییرات در قطبیت و الگوهای دوستی/دشمنی مجموعه امنیتی قفقاز می‌کند. چنین ویژگی‌هایی این رابطه را از یک اتحاد دائمی متمایز ساخته است.

درمجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، با تمرکز بر تحلیل سطح میانی و درهم‌تنیدگی امنیتی، چارچوبی کارآمد برای تبیین روابط ایران و ارمنستان در دوره گذار قفقاز جنوبی به نظم چندقطبی فراهم می‌کند. قفقاز جنوبی در نقطه‌ای سرنوشت‌ساز قرار دارد؛ جایی که مناقشاتی همچون راه‌گذر زنگه‌زور و تنش‌های منجمدشده، پروژه‌های اقتصادی را تهدید کرده و تعادل شکننده منطقه را می‌آزماید. آینده این رابطه نه یک‌سویه و نه قطعی است، بلکه در گرو تداوم تهدید مشترک، توانایی دو کشور در مدیریت تنش‌های درونی و مهار خلاقانه رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای خواهد بود. آنچه مسلم است، قفقاز جنوبی در مقطع کنونی آزمونی برای دیپلماسی انطباقی ایران و ارمنستان است؛ آزمونی که نتیجه آن نه تنها آینده روابط دوجانبه، بلکه مختصات نظم امنیتی منطقه را نیز تعیین خواهد کرد. در نهایت، این دیپلماسی خلاقانه است که تعیین می‌کند آیا این دو کشور می‌توانند بر ژئوپلیتیک صفر و یک غلبه کنند یا سرنوشت‌شان در دست اهداف قدرت‌های خارجی رقم خواهد خورد.

منابع

فارسی

- میراشرفی، نوراله، س. کیانی و شیرخانی. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سیاست آمریکا و روسیه در قبال امنیت انرژی در قفقاز جنوبی. **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، ۱۱(۴۳)، ۱۲۹-۱۶۵.
- شیرعلی، لیلا. نویدی نیا، جلال پور و اکبرزاده. (۱۴۰۳). منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی (۲۰۲۲-۲۰۰۱). **پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، ۱۴(۳)، ۵۱-۷۲.
- گل کرمی، عابد؛ و مصطفی پور. (۱۴۰۳). دالان زنگه‌زور و آینده موقعیت ژئوپلیتیک ایران. **جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، ۱۴(۵۶)، ۱-۲۰.
- هاشمی دیزج، عبدالرحیم، شهبازی، نضالفت تکه و عصرجدید. (۱۴۰۴). تعمیق روابط اقتصادی، جغرافیایی و زیست‌محیطی: رویکرد ایران به تعامل با آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و نخجوان. **جغرافیا و روابط انسانی**، ۸(۲)، ۴۱۷-۴۴۳.

لاتین

- Aktas, A. (2025). **Individual Partnership Action Plans (2002-2023)**. Armenia, US launch 'Eagle Partner-2025' joint military drills. <https://www.aa.com.tr/en/world/armenia-us-launch-eagle-partner-2025-joint-military-drills/3657553>
- Amable, D. S. (2022). Theorizing the Emergence of Security Regions: An Adaptation for the regional security complex theory. **Global Studies Quarterly**, 2(4), ksac065.
- Asadov, M. (2023). The "New Great Game" Conflict and Cooperation Area South Caucasus: From Competition to Cooperation between Turkey and Russia. **Ordu Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Sosyal Bilimler Araştırmaları Dergisi**, 13(2), 1955-1974.
- Bayramov, A. (2021). Conflict, Cooperation or Competition in the Caspian Sea Region: A Critical Review of the New Great Game Paradigm. **Caucasus Survey**, 9(1), 1-20.
- Bilban, C., Labarre, F., & Niculescu, G. (2024). **Does the EU Need a Strategy for the South Caucasus?: 27th Workshop of the PFP Consortium Study Group" Regional Stability in the South Caucasus"**. In: Republic of Austria, Federal Ministry of Defence. National Defence Academy. Vienna. Austria.
- Burcea, I., Pădureanu, M., & Bădescu-Secu, I. (2025). **Building Geoeconomic Bridges: European Union - South Caucasus - Central Asia. Opportunities for Romania**, EIR Working Papers Series, No. 55, European Institute of Romania, Bucharest
- Buzan, B., & Waeber, O. (2003). **Regions and powers: The Structure of International Security** (Vol. 91). Cambridge University Press.
- Embassy of India, Paris. (2026). **India and South Caucasus**. https://www.eoiparis.gov.in/section/india-in-france/India_and_South_Caucasus
- Eqtesad Ayandeh news. (2025). **Iran, India, Armenia Agree to Advance Cooperation on INSTC**. http://www.eqtesadayandehnews.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=539341
- Fazl-e-Haider, S. (2025). **Türkiye-Pakistan-Azerbaijan Trilateral Defence Cooperation**. Central Asia-Caucasus Analyst. <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13869-kyrgyzstan-and-tajikistan-resolve-final-border-dispute-a-historic-but-fragile-peace.html>

- Fenkart, S. (2025). Towards a New Role for the European Union in the South Caucasus? **Connections** (18121098), 24(1).
- Gafarlı, T. (2024). Unlocking the Potential in the South Caucasus: The Zangezur Corridor's Impact on the Trans-Caspian International Transport Route (Middle Corridor). **PERCEPTIONS: Journal of International Affairs**, 29(2), 148-173.
- Gamaghelyan, P., & Rumyantsev, S. (2021). The Road to the Second Karabakh War: the Role of Ethno-Centric Narratives in the Nagorno-Karabakh Conflict. **Caucasus Survey**, 9(3), 320-336.
- German, T. (2016). **Regional Cooperation in the South Caucasus: Good Neighbours or Distant Relatives?** Routledge.
- Gevorgyan, A. (2025, December 1). **Crossroads of Uncertainty: Iran's Regional Vulnerabilities and Armenia's Security Challenges**. Central Asia-Caucasus Analyst. <https://www.cacianalyst.org/publications/feature-articles/item/13904-crossroads-of-uncertainty-iran%E2%80%99s-regional-vulnerabilities-and-armenia%E2%80%99s-security-challenges.html>
- Golmohammadi, V., & Azizi, H. (2022). The South Caucasus in the Regionalism of Iran's Foreign Policy. **Central Eurasia Studies**, 15(1), 305-281.
- Hasanova, T. (2025). **Armenia, US ink strategic partnership agreement in Washington. Caliber.** <https://caliber.az/en/post/armenia-us-ink-strategic-partnership-agreement-in-washington>
- Harutyunyan, T. (2025). **Armenia-India Military Cooperation: Emerging Strategic Partnerships in a Shifting Geopolitical Landscape.** Arvak. <https://arvak.am/en/armenia-india-military-cooperation-emerging-strategic-partnerships-in-a-shifting-geopolitical-landscape/>
- Iashaki, A. B., Goudarzi, M. R., & Amraei, D. (2013). The Roots of Tension in South Caucasus: The Case of Iran-Azerbaijan Relationship. **J. Pol. & L.**, 6, 141.
- Institute for War and Peace Reporting. (2026, March 17). **Strategic Realignment for the South Caucasus?** IWPR. <https://iwpr.net/global-voices/strategic-realignment-south-caucasus>
- IRNA. (2025). **Russian Peacekeepers Leave Yerevan Airport After 32 years.** IRNA. <https://irna.ir/xjRdps>
- Iskandarov, K., & Gawliczek, P. (2020). The "New Great Game" in the South Caucasus: Competition for Power and Influence. **Social Development and Security**, 10(1), 25-33.
- Iskandarov, K., Simons, G., & Gawliczek, P. (2019). The South Caucasus: Stage for a 'New Great Game' Between NATO and Russia. **Connections: The Quarterly Journal**, 18 ,3-4.
- Jamestown. (2025). **Armenia Balances Between the TRIPP and Zangezur Corridor.** <https://jamestown.org/armenia-balances-between-the-tripp-and-zangezur-corridor/>
- Fazil, F. I. (2025). **Regionalism in the South Caucasus: Historical Dynamics and Challenges** (Master's thesis, Khazar University (Azerbaijan)). <https://www.proquest.com/openview/0d087a5e74e3bd2f0a2099f2b902511a/1?pq-origsite=gscholar&cbl=2026366&diss=y>
- Kalbizada, E. (2025). Political Relations Between Iran and Armenia: An Azerbaijani Perspective in the Context of Regional Dynamics. **Doğu Araştırmaları**, 1(31), 1-20.
- Karapetyan, R. (2023). South Caucasus in the Phase of Russian-Ukrainian War: New Security Challenges and Possible Scenarios for Development. **Journal of Political Science: Bulletin of Yerevan University**, 2(3 (6)), 32-46.
- Kinik, H., & Çelik, S. (2021). The Role of Turkish Drones in Azerbaijan's Increasing Military Effectiveness. **Insight Turkey**, 23(4), 169-192 .
- Kouhi-Esfahani, M., (2016). **Iran's Regional Policy the South Caucasus: Case Studies of Relations with the Republics of Azerbaijan & Armenia** (Doctoral dissertation, Durham University). https://etheses.dur.ac.uk/11870/1/Iran's_South_Caucasus_Policy-2016.pdf

- Lake, D. A., & Morgan, P. M. (2010). **Regional Orders: Building Security in a New World**. Penn State Press.
- Manvelidze, I. (2025). Geopolitical Reconfiguration and Transformation of Security Strategies in the South Caucasus: A Regional Analysis. **Eastern Europe – Regional Studies**, 13(2).
- Mammadov, R. (2019). **An Application of Theories of European Integration to the South Caucasus Region: In Search of Universal Patterns in Regional Integration** (Master's thesis, Marmara Universitesi (Turkey)).
<https://www.proquest.com/openview/be26097df1ab991fb135c68a35da7082/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750&diss=y>
- Mazaheri, M. M. (2024). **Zangezur Corridor and Options that are Still on the Table**. Institute for Political and International Studies.
<https://www.ipis.ir/en/newsview/742947/zangezur-corridor-and-options-that-are-still-on-the-table>
- Melikova, Z. (2024). Economic Relations of Türkiye with the Turkic States of South Caucasus and Central Asia. **Eurasian Research Journal**, 6(3), 55-73 .
- Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Armenia. (2021, February 10). **Statement by the Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Armenia on the Entry into Force of the Comprehensive and Enhanced Partnership Agreement between Armenia and the European Union**. <https://www.mfa.am/en/interviews-articles-and-comments/2021/02/10/cepa/10786>
- Moghani, A. M. and Tisheyar, M. (2024). The Impact of Georgia's Geopolitics on its Regional Position. **Journal of Iran and Central Eurasia Studies**, 7(1), 59-80.
- National Assembly of the Republic of Armenia. (2025, March 24). **Committee Endorses Revised Version of civil Initiative on Launch of Process of RA Accession to EU**. http://www.parliament.am/news.php?do=view&cat_id=2&day=24&month=03&year=2025&NewsID=21912&lang=eng
- Nouwens, M. (2021). **China's Digital Silk Road: Integration into National IT Infrastructure and Wider Implications for Western Defence Industries**. The International Institute for Strategic Studies. <https://www.iiss.org/globalassets/media-library---content--migration/files/research-papers/china-digital-silk-road---iiss-research-paper.pdf>
- The Observatory of Economic Complexity (OEC) (2024). **Iran-Armenia trade**. <https://oec.world/en>
- Okromtchedlishvili, I. (2024). Joining NATO: a National End or a Strategic Means for Georgia? **Bulletin of "Carol I" National Defence University (EN)**, 13(03), 129-150.
- Onofrei, M., Oprea, F., & Cigu, E. (2025). **Reforming Public Administration and Governance Systems in the EU's Eastern Neighbourhood Countries: What Role for European Neighbourhood Policy?** In Resilience and the EU's Eastern Neighbourhood Countries: Crisis, Transformations and Policies (pp. 243-267). Springer.
- Ordukhanyan, E., Sukiasyan, H., Shirinyan, L., & Ananyan, G. (2025). A New Balance of Power in the South Caucasus: How Can it Lead to Regional Stability?. **International Journal of Innovative Research and Scientific Studies**, 8(2). 206-220.
- Ostovar, M. and Nazar, H. (2024). The Role of the Zangezur Corridor on Iran's National Interests in the South Caucasus. **Diplomatic Interactions**, 2(6), 271-316.
- PURTAŞ, F. (2025). Türkiye and the Organization of Turkic States. **Insight Turkey**, 27(1), 113-132.
- Rauf, S., & Tarıq, M. (2023). A Critical Appraisal of India and Pakistan's Growing Engagement in the South Caucasus Region. **Regional Studies**, 41(2), 50-72.
- Rehimov, R. (2021). **Landmark Shusha Declaration between Türkiye, Azerbaijan turns year-old**. <https://www.aa.com.tr/en/world/landmark-shusha-declaration-between-turkiye-azerbaijan-turns-year-old/2614301>

- Sadiyev Saleh, S., Nasirov Khudam, E., Iskandarov Ibrahim ,K., & Simons, G. (2021). South caucasus and a 'New Great Game': the Communication of Competition in Securitised International Relations. **Journal of Contemporary European Studies**, 29(2), 282-294.
- Sahakyan, M. D., & Lo, K. (2025). Hotspot Geopolitics: Political Economy of the Belt and Road Initiative in South Caucasus. **Chinese Political Science Review**, 1-24.
- Shafiee, N. (2024). The Zero-Sum Game: An Analysis of India-Pakistan Rivalry in the South Caucasus. **Politcal Quarterly**, 53(4), 707-681.
- Shiraliyev ,M. (2023). The European Union's Conflict Resolution Policy in the South Caucasus. **Asya Araştırmaları Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi**, 7(Cumhuriyet'in 100. Yılına Armağan Özel Sayısı), 83-98.
- The Armenian Report. (2025, April 11). **Armenia, Iran hold first-ever joint military drills**. The Armenian Report. <https://www.thearmenianreport.com/en/post/armenia-iran-joint-military-exercise-2025>
- Tuba, E. (2022). **Russia's War on Ukraine and the Rise of the Middle Corridor as a Third Vector of Eurasian Connectivity**. Stiftung Wissenschaft und Politik. <https://www.swp-berlin.org/10.18449/2022C64/>
- Vinokurov, E. Y., Ahunbaev, A., & Zaboev, A. I. (2022). International North-South Transport Corridor: Boosting Russia's" Pivot to the South" and Trans-Eurasian connectivity. **Russian Journal of Economics**, 8(2), 159-173.